

The relationship between unity and revival of Islamic civilization in the thought of Taha Jaber Al-Alwani

Mohammad Furqan Gohar¹ | Seyyed Reza Mahdinejad²

(DOI): [10.22034/MTE.2023.13718.1630](https://doi.org/10.22034/MTE.2023.13718.1630)

Abstract

Original Article

P 93 - 116

The unity of the Ummah is one of the most important requirements for the achievement of Islamic civilization in the contemporary era. Therefore, all Muslim civilization thinkers have a firm belief in the necessity of the unity of the Ummah. But the most important challenge is an explanation that outlines the process of realizing unity and provides a mechanism to deal with the challenge of division in the Islamic society in a way that leads to the realization of Islamic civilization. Therefore, the problem of the present research is what kind of relationship between unity and civilization exists from Al-Alwani's point of view as a unificationist and civilizationist Muslim thinker? This article explains Al-Alwani's thoughts by referring to his works. The result is that al-Alwani has pursued the project of unity through the reconstruction of the Ummah in the field of concept and reality. According to him, a broad and deep understanding of the concept of Ummah, its global mission and its requirements is the most basic starting point, and in order to achieve it, taking steps such as drawing the same method of ijihad, paying attention to the unity of the construction of the Qur'an and the Sunnah with the Qur'an as its center and considering a comprehensive approach is necessary. He has made intellectual unity with the aim of realizing the grand goals in the world as the basis for the realization of Islamic civilization.

Key words: Taha Jaber al-Alwani, the unity of the method of knowledge, the reconstruction of the ijihad approach, the reconstruction of the Ummah, the centrality of the Quran, the revival of Islamic civilization, the grand goals of Islam.

1 - PhD student of Islamic Civilization History, Department of Islamic Civilization History, Islamic Civilization and History Complex, Al-Mustafa Al-Alamiya University, Pakistan. mohammad_furqan_gohar@miu.ac.ir

2 - Department of History of Islamic Civilization, Complex of History of Syrah and Islamic Civilization, Al-Mustafa Al-Alamiya Community, Qom, Iran. (sr_mahdinejad@miu.ac.ir)

Received: 2021/04/02 | Accepted: 2021/11/23



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

رابطه وحدت و احیای تمدن اسلامی در اندیشه طه جابر العلوانی

محمد فرقان گوهر^۱ (نویسنده مسئول) | سید رضا مهدی نژاد^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2023.13718.1630](https://doi.org/10.22034/MTE.2023.13718.1630)

علمی - پژوهشی

ص: ۱۱۶/۹۳

چکیده

وحدت امت از مهم ترین الزامات تحقق تمدن اسلامی در دوران معاصر است. از این رو تمامی اندیشمندان تمدن گرای مسلمان، به لزوم وحدت امت اعتقادی راسخ دارند. اما مهم ترین چالش، تبیینی است که فرایند تحقق وحدت را ترسیم و برای مقابله با چالش تفرقه در جامعه اسلامی سازوکار ارائه بدهد به گونه ای که منجر به تحقق تمدن اسلامی شود. از این رو مسئله پژوهش حاضر آن است که از دیدگاه العلوانی به عنوان اندیشمندی وحدت نگر و تمدن گرای مسلمان چه نوع رابطه میان وحدت و تمدن وجود دارد؟ این نوشته با مراجعه به آثار العلوانی به تبیین اندیشه وی پرداخته است. نتیجه اینکه العلوانی پروژه وحدت را از طریق بازسازی امت در عرصه مفهوم و واقع دنبال کرده است. از نظر وی درک گسترده و عمیق از مفهوم امت، رسالت جهانی آن و الزامات آن اساسی ترین نکته آغاز است و برای تحقق آن برداشتن گام هایی از جمله ترسیم روش اجتهادی یکسان، توجه به وحدت بنایی قرآن و سنت با محوریت قرآن و با در نظر گرفتن منهج فراگیر مقاصدی لازم است. او وحدت فکری را با هدف تحقق مقاصد کلان در جهان مبنای تحقق تمدن اسلامی قرار داده است.

واژگان کلیدی:

طه جابر العلوانی، وحدت روش معرفت، بازسازی رویکرد اجتهادی، بازسازی امت، قرآن محوری، احیای تمدن اسلامی، مقاصد کلان اسلامی.

۱ - گروه تاریخ تمدن اسلامی، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، پاکستان. mohammad_furqan_gohar@miu.ac.ir

۲ - گروه تاریخ تمدن اسلامی، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (sr_mahdinejad@miu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵



۱. مقدمه:

دکتر طه جابر العلوانی (۱۹۳۵-۲۰۱۶) اندیشمندی عراقی و فارغ التحصیل الازهر است. وی در سال ۱۹۷۳ م. مدرک دکترای خود را در رشته «اصول الفقه» دریافت کرد. او بر زبان های عربی و انگلیسی به طور کامل و بر فارسی و ترکی به طور نسبی مسلط بوده است (السیرة الذاتية للدكتور طه جابر العلوانی، سایت رسمی العلوانی). وی بعد از تکمیل دوره دکتری به عنوان استاد فقه و اصول در دانشکده شریعت، متعلق به دانشگاه محمد بن سعود به مدت ده سال فعالیت کرد. علاوه بر آن در دانشگاه های متعدد دنیا به عنوان استاد مهمان فعالیت های تدریسی انجام داد. وی همچنین در تأسیس موسسه ای بنام «مرکز جهانی اندیشه اسلامی» در آمریکا مشارکت داشت و در سال ۱۹۸۴ میلادی به آمریکا مهاجرت کرد و همانجا مشغول فعالیت شد. و در میان سالهای ۱۹۸۴-۱۹۸۶ میلادی ریاست مؤسسه را برعهده داشت و سپس به عنوان نائب رئیس آن حدود ده سال فعالیت کرد. این مؤسسه، مجله ای تحت عنوان «اسلامی سازی معرفت» منتشر کرد که علوانی از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۷ به مدت پنج سال سردبیری آن را برعهده داشته است. همچنین وی ریاست دانشگاه قرطبه در ایالت ورجینیای آمریکا را نیز عهده دار بوده است (ابوحلیوة، ۲۰۱۱: ۱۷-۲۱).

دکتر علوانی در عرصه بازسازی مفهوم امت اسلامی و ارائه راه حلی برای چالش های معاصر امت اسلام و از جمله چالش تفرقه نظریه پردازی کرده است. او در مقالات، کتابها، سخنرانی ها و مصاحبه های خود از وحدت امت بسیار سخن گفت و به ویژه دو کتاب در این زمینه نگاشت. «ادب الاختلاف فی الاسلام» جزء اولین تالیفات دکتر العلوانی است. او در این کتاب تلاش می کند مسلمانان را قانع کند از افراط و تفریط در نقد و مخالفت با یکدیگر دست بکشند. او اختلافات را به چند دسته تقسیم می کند و اختلافات صحابه و تابعان و حتی ائمه فقه را جزء اختلافات ممدوح به حساب می آورد (العلوانی، ۱۹۸۷: ۲۱-۱۳۴). قبل از آن او کتاب «الاجتهاد و التقليد فی الاسلام» را نگاشته بود و کتاب «المحصل» فخر رازی را نیز تحقیق کرده بود. آخرین کتاب وی «من ادب الاختلاف الی نبذ الخلاف» است که در سال ۲۰۱۷ پس از رحلت وی به چاپ رسید. به گونه ای این کتاب تکمله ای بر کتاب نخست وی می باشد. وی در فصل اول کتاب خلاصه ای از کتاب نخست خود را ذکر کرد و بقیه کتاب مطالبی تکمیلی است که در آن، علوانی پروژه وحدت امت را دنبال کرده است. با مقایسه این دو کتاب بنظر می رسد او در آغاز امر، چالش وحدت را اغلب به مسایلی شکلی مانند رعایت نکردن آداب اختلاف مربوط می دانسته، اما به مرور مسایل و چالش ها بسیار اساسی تری را دنبال کرد و در کتاب دوم به نقش علم کلام در اختلاف امت پرداخته، و تلاش کرده تا

مرجعیت علمی قرآن را برای پایان دادن به نزاع های بنیادین فکری مورد توجه قرار دهد. علوانی در مقالات خود از اعاده مفهوم امت سخن گفت، همچنین از مفهوم طائیفه و فرقه ای شدن امت برحذر داشت. او در کنفرانس های تقریب مذاهب نیز شرکت کرد. از جمله سخنانی مختصر از یکی از نشست های ایران در سایت مجمع تقریب یافت می شود.

از جمله تالیفات وی «لا اکراه فی الدین» است که مسئله اصلی آن از اعدام عراقیان کمونیست برای وی ایجاد شد. او این کتاب را نزد محمد الغزالی برد، غزالی ضمن تأیید اندیشه و آرای وی به ایشان هشدار داد که این نظریه سیل اتهامات را به سوی وی روانه خواهد کرد. علوانی در این کتاب سعی در اثبات این باور دارد که انسان به لحاظ اندیشه ورزی حریت مطلق دارد و خداوند در قرآن آن را مورد تأکید قرار داد و نسخ در چنین موردی راه ندارد (ابوحلیوة، ۲۰۱۱: ۲۳-۲۴).

او به جای ظواهر به مقاصد شرع اهمیت داد و مقاصد شرعی را با توجه به خطاب جهانی اسلام و در تراز اندیشه جهانی مطرح کرد و کتاب «مقاصد الشریعة» را در این راستا تألیف کرد. وی در این کتاب توحید، تزکیه و عمران را سه مقصد بلندپایه و بنیادینی مطرح کرد که مسلمانان را به تمدن سازی در جهان معاصر وامی دارد (العلوانی، ۲۰۰۵ الف: ۱۳۵). العلوانی در مسایل زیادی به بازخوانی میراث می اندیشید از این رو می توان او را متفکری نو اندیش قلمداد کرد. از جمله نمونه های نواندیشی وی پیشنهادی است که در تقسیم بندی جهان به دار الاسلام و دار الدعوة مطرح می کند. این تقسیم بندی در برابر دوگانه دار الاسلام و دار الکفر یا سه گانه آن دو به اضافه دار العهد قرار دارد. او می گوید مسلمانان به دلیل این تقسیم بندی مورد اعتراض واقع می شوند، هر چند عملاً آنها مظلوم اند، اما در مجامع علمی این تقسیم بندی، آنها را به عنوان ملتی ستیزه جو معرفی می کند. از این رو ما بایستی از آن صرف نظر کنیم، هر چند او نیز برای جا انداختن مطلب تقسیم بندی جدید خود را به «شاشی» نسبت می دهد. بر اساس این تقسیم بندی، او انسان های روی زمین را به دو قسمت امت اجابت و امت دعوت تقسیم می کند. وی معتقد است بر این اساس بسیاری از احکام فقهی نیاز به نوآوری پیدا می کند (العلوانی، ۲۰۰۵ الف: ۵۶-۵۷).

ویژگی دیگر علوانی بازنگری و خود انتقادی است، از نمونه های بارز آن مقاله ای است که او در واکر عمر خود تحت عنوان «درس فی نقد الذات» نگاشت. او در این نوشته یازده نکته پیرامون کتاب «ادب الاختلاف» بیان می کند و تصریح می کند که برخی از نکات کتاب بر اساس ذهنیت های خاصی بوده که در آن زمان تحت تأثیر رویکرد فقهی و کلامی اظهار داشته، اما الان دیگر با توجه به رویکرد قرآنی نمی تواند آنها را بپذیرد. از جمله توجیه مبارزه مسلحانه با مانعان زکات توسط ابوبکر را با

توجه به قاعده «لا اکراه فی الدین» مورد نقد قرار می دهد. همچنین از سخن خود مبنی بر بدعت گزار پنداشتن برخی فرقه های مسلمان از جمله شیعه اظهار پشیمانی می کند. او اظهار می دارد که در مفهوم صحابه و صحبت پیامبر در ابتدا تحت تأثیر تفکر شافعی و اهل حدیث بوده که این نیز بایستی بر اساس مفهوم قرآنی تعدیل شود. همچنین او معتقد است که در کتاب نخست وی ادبیات فقهی کلامی بوده که به مرور زمان به ادبیات تمدنی تغییر جهت پیدا کرده است (درس فی نقد الذات، سایت اصلاح ویب. تاریخ بازبایی، ۲۹/۱/۲۰۲۲).

اما آنچه برای ما اهمیت دارد، این است که علوانی تا چه اندازه موفق بوده، نظریه وحدت را با دید تمدنی ارتباط دهد و این ارتباط چگونه برقرار شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا از طریق بررسی آثار و اندیشه های علوانی به کشف این مسئله بپردازد که وحدت گرایی در اندیشه علوانی چه اندازه و چگونه با تمدن سازی اسلامی ارتباط پیدا می کند.

۲. پیشینه بحث:

پیشینه را می توان از دو جهت بررسی کرد، یکی از جهت موضوع یعنی رابطه وحدت و تمدن و دیگری از جهت کارهایی که در رابطه با اندیشه علوانی انجام گرفته است. در خصوص افکار و اندیشه های علوانی مطالعاتی هر چند اندک صورت گرفته است، از جمله وایل حمدوش در مقاله ای تحت عنوان «نحو منهجیة معرفية قرآنية: قراءة في دراسات طه جابر العلواني القرآنية» به بررسی انتقادی اندیشه قرآنی علوانی می پردازد. او در این نوشته به مطالعه آثار مکتوب علوانی در زمینه قرآنی پرداخته و ضمن اشاره به اندیشه های محوری علوانی، کاستی های روشی و محتوایی آنها را متذکر می شود. از جمله انتقادهای وی بر علوانی طرح مباحث استطرادی و فاصله گرفتن از موضوع اصلی، به دست ندادن نتایج و طرح های مشخص و اکتفاء بر مباحث کلی و طرح استدلال های نامربوط مانند ربط دادن نظریه نظم لغوی جرجانی با وحدت بنائی قرآن کریم که ایده ای تازه در نظم معرفتی قرآن است (حمدوش ۲۰۰۸). نحو منهجیة معرفية قرآنية: قراءة في دراسات طه جابر العلواني القرآنية، سایت الملتقی). ابراهیم سلیم ابو حلیوة کتابی تحت عنوان «طه جابر العلواني تجلیات التجديد فی مشروعه الفکری» نگاشته است. در این کتاب نویسنده نگاه های نوآورانه علوانی را مورد کنکاش قرار داده است. در زبان فارسی نیز مسئله اسلامی سازی معرفت از دیدگاه علوانی مورد توجه قرار گرفته است، چنان که مقاله ای تحت عنوان «تبیین و تحلیل نظریه اسلامی سازی معرفت از دیدگاه فاروقی و علوانی» توسط عبد الحسین خسروپناه نگاشته شده و نظریه اسلامی سازی او مورد بررسی قرار گرفته است (خسروپناه، ۱۳۹۱).

اما در خصوص مسئله رابطه وحدت و احیای تمدن اسلامی با تفحص و جستجوی اینترنتی در مقالات فارسی و عربی به این نتیجه دست یافتیم که این موضوع هنوز مورد مطالعه جدی قرار نگرفته است، فقط در حد برخی مقالات سایتی و کرسی های علمی دنبال شده است. از جمله یادداشتی تحت عنوان رابطه وحدت و تمدن نوین اسلامی توسط دکتر محمد مصطفی اسعدی در تاریخ ۹ آبان ۱۳۹۹ منتشر شده و در آن ارتباط مسئله وحدت با امنیت و اقتدار تمدنی همچنین مشارکت و تعاون تمدنی به ویژه در رابطه با مسایل اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است (سایت راسخون، <https://rasekhoon.net/RMagazine/show/1549483>). به علاوه کرسی علمی ترویجی تحت عنوان «طراحی مدل وحدت آفرینی و وحدت سنجی در مسیر تمدن اسلامی» توسط گروه مدیریت پژوهشکده نظام های اسلامی پژوهشگاه برگزار گردیده (تاریخ برگزاری: ۲۶ خردادماه ۱۴۰۰، <https://iiict.ac.ir/2021/07/vahdatmodiriati>) و در آن ضمن تأکید بر ارتباط عمیق میان وحدت و تمدن، مسئله باورهای مشترک و آموزه های مشترک قرآنی را مورد توجه قرار دادند. عشماوی رساله ای مختصر تحت عنوان «مفهوم الحضارة فی بناء العمران الاسلامی عند الدكتور طه علوانی، مفهوم الامة نموذجاً» نگاشته است. او در این رساله اندیشه های مقاصد گرایانه علوانی را به تصویر کشیده و نشان می دهد چگونه شعور و آگاهی قرآنی از مفهوم امت و ابعاد آن به مقاصد بزرگ کمک می کند. در این رساله مفهوم امت به منزله پایه و اساسی برای تحقق عمران و آبادانی جهان و نظم نوین اسلامی تلقی شده است (عشماوی، بی تا: ۳۷-۵۳). مقاله ای دیگر تحت عنوان روند فکری وحدت اندیشی در متفکران مسلمان، مراحل اندیشه ای وحدت را تبیین کرده و از اندیشه خلافت به اندیشه دولت و سپس اندیشه نهاد محور و از آنجا به اندیشه مردم محور و در نهایت به اندیشه تمدن محور تحول یافته است. علوانی از جمله اندیشمندان تمدن محور است که نظریه وحدت وی ناظر به نقش تمدنی مسلمانان است و تفرقه را از این جهت که عامل بازدارنده در جهت ایفای این نقش است مورد توجه قرار داده است. وحدت تمدن محور ویژگی دیگری نیز دارد و آن اینکه ناظر به آینده است و بلندمدت است، برخلاف دیگر اندیشه ها که اغلب جنبه های اوضاع موجود را در نظر می گیرند و میان مدت هستند (عیوضی، محمد رحیم / خاکی، حسن ناصر، ۱۳۹۶: ۷-۳۱).

۳. چارچوب مفهومی:

وحدت و «تمدن» با پسوند اسلامی از جمله مفاهیم کلیدی در این پژوهش هستند که در ذیل به آنها پرداخته می شود.

۳.۱. وحدت:

وحدت واژه ای عربی است از مصدر «و. ح. د» و بر انفراد و یگانگی و یکی بودن دلالت دارد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳، ۲۸۰ / صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۳، ۱۸۱) و جزء پذیری و تکتیر پذیری در آن نیست، در برابر کلمه اتحاد که بر ترکیب دو شیء اطلاق می شود که در اثر آن شیء واحد تشکیل شده باشد (طریحی، ۱۳۷۵: ۳، ۱۵۷). در فارسی نیز به معنای یگانگت است در برابر متکثر بودن و وحدت ملی بمعنای اشتراک در آمال و مقاصد است به گونه ای که مجموعه واحدی را تشکیل دهد (معین، ۱۳۸۴: ۴، ۴۹۸۹) بنا بر تحلیل مفهوم شناختی برخی از پژوهشگران، در مناسبات انسانی، وحدت مستحکم ترین مرتبه است و زمانی متبلور می شود که افراد یک جامعه به گونه ای با هم مرتبط باشند که در همه زمینه ها مجموعه واحدی را تشکیل دهند. طبق این دیدگاه سایر دیدگاه های مطرح شده در رابطه با همگرایی از جمله «تقریب مذاهب اسلامی» «همزیستی مسالمت آمیز» توافق و تعاون و تشریک مساعی در مراتب پایین تری از همبستگی اجتماعی قرار دارند، برخلاف وحدت که یکی بودن بمعنای کلمه در آن تحقق یافته و همبستگی اجتماعی به کمال رسیده است (موحدی ساوجی، ۱۳۹۸: ۲۰-۲۳).

العلوانی مفهوم وحدت را مستقلاً بحث نکرده اما از مفاهیمی مانند «وحدة الدین»، «وحدة التدين» و در برابر آن از مفاهیمی مانند «التفرق»، «النزاع فی الدین» و «النزاع فی التدين» سخن گفته است (العلوانی، ماذا خسر الإسلام بدخول الفرق والأحزاب فيه، <https://alwani.org/?p=4298>) از نوشته های العلوانی می توان این نتیجه را بدست داد که او بیش از وحدت، تفرقه، نزاع و اختلاف را به عنوان موجود بالفعل مسلمانان مورد توجه قرار داده و علل و عوامل تفرقه را واکاوی بیشتری کرده و برای کاهش آن راه حل ارائه داده است. از این رو مفهوم وحدت از منظر علوانی در نفی تفرقه و رفع عوامل نزاع و خصومت خلاصه می شود.

۳.۲. تمدن اسلامی:

تمدن در لغت با واژه مدینه هم ریشه است و در زبان انگلیسی نیز civilization با city هم ریشه است، و وجه مشترک در همه اینها شهرنشینی و تخلق به اخلاق اهل شهر است که با ایجاد نظم و قواعد ثابت زندگی و مناسبات خردمندانه رابطه تنگاتنگی دارد (مهدی نژاد، ۱۴۰۰: ۸۴). از منظر اصطلاحی تعاریف گوناگونی از تمدن شده که می توان آنها را بر چند محور تقسیم کرد، تعاریف انسان محور به تکامل و شکوفایی استعداد انسانی و بر محیط اخلاقی و زیستی انسان تکیه دارد، تعاریف فرهنگ محور تمدن را با توجه به نسبت آن با فرهنگ می سنجد، در تعاریف جامعه محور

تمدن به عنوان وصف حیات اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد و در تعاریف تاریخ محور بر جنبه میراث گونه و دستاورد بشری آن تکیه می‌شود (به عنوان نمونه ر.ک: حسینی، ۱۳۹۵: ۳۴-۳۹). در این میان آنچه به مفهوم اسلامی و قرآنی تمدن نزدیک تر است انسان با وصف فرهنگ و اخلاق است، البته فرهنگی خاص که اوصاف ویژه و مشخصی دارد. در تعریف یوکیچی بر اخلاق تکیه بیشتری شده و غایت تمدن در تحقق کمال روحی در جامعه دانسته شده است (بابایی، حبیب الله، ۱۳۹۵: ۸۴).

۳.۲.۱. علوانی و تمدن اسلامی:

معادل عربی تمدن «الحضارة» است. علوانی «الحضارة» را بمعنای حضور و شهود تمدنی امت مسلمان در صحنه گیتی می‌داند، در برابر غیاب تمدنی آن. منظور وی از شهود تمدنی «حضور مسئولانه امت همراه با وعی و ادراک و همراه با عمل در صحنه واقعیت های بیرونی که دارای ویژگی ها و خصوصیات اقتصادی و اجتماعی، فکری خاصی است و یک خط مشی تمدنی را مشخص می‌کند و از طرفی نیز بر جهان بینی و روش های معرفتی خاصی استوار است (العلوانی، ۲۰۰۷: ۷۱). از این رو علوانی تمدن را با مفاهیم قرآنی مانند شهادت (گواه بودن) و خلافت الاهی و آباد کردن جهان ربط می‌دهد و نقش امت مسلمان را در ایجاد چنین مناسبات سازنده در سطح جهانی مورد توجه قرار می‌دهد (العلوانی، ۲۰۰۱ الف: ۱۳۶-۱۳۹). علوانی واژه عمران را وسیع تر و فراگیر تر از واژه «الحضارة» می‌بیند که در آن علاوه بر رشد فردی و فرهنگی، مسایلی مانند توحید، تزکیه، مساوات و اقامه حق و... را نیز دربر می‌گیرد (العلوانی، الفرق بین العمران و بین الحضارة والمدنیة والثقافة والتنمية، سایت رسمی علوانی. <https://alwani.org/?p=8239>). اگر بخواهیم واژه ای کلیدی برای نشان دادن تمدن اسلامی در منظومه فکری علوانی بیابیم، آن واژه «السلم كافة» (البقره: ۲۰۸) یا صلح همگانی است. یعنی جامعه ای انسانی ای که تمامی بنی نوع بشر در سایه آن بتوانند با صلح و آرامش زندگی کنند و این جامعه تنها در سایه توحید قابل عملی شدن است. او معتقد است قرآن اساسا برای حل چالش ها و بحران های انسانی نازل شده و برای آنها چاره جویی کرده و انسانها را از عوامل نزاع و دعوا نجات می‌دهد و سرچشمه های آن را کاهش می‌دهد، تا اینکه انسان ها تماما در وادی امن و صلح داخل شوند و لذا بشریت را به عنوان یک خانواده مورد توجه قرار می‌دهد که دارای اصل، نسل و نسبی واحد اند و اختلافات آنها مانند اختلافات خانوادگی است که باعث نمی‌شود آنها به امت های گوناگون و مختلف تقسیم شوند، لذا نیاز به تألف و همدلی، تعاون و همکاری پیدا می‌کند (ابوحلیوة، ۲۰۱۱: ۱۳۵-۱۳۶). او معتقد است شریعت الاهی اسلام با ویژگی های

اساسی ای مانند دقت و استقامت در منهج، تخفیف و رحمت در قانون، حلال کردن تمامی طبقات و حرام کردن تمامی خباثت و انحصار تشریح در خداوند و اصل حلیت در امور ذی نفع و اصل حرمت در امور ذی ضرر ظرفیت آن را دارد تا تمامی بشریت را بر یک منہاج جمع بکند (علوانی، ۲۰۰۵ الف: ۸۳-۸۴). شمول و فراگیری موجود در تفکر وی را از اینجا نیز می توان درک کرد که می گوید تمامی سرزمین از آن خداوند است و تمامی بلاد بلاد اسلام اند، و تمامی بشریت امت اسلام است، منتهی دوگونه امت داریم، یکی امت ملت که دین را پذیرفته و دیگر امت دعوت که بایستی به وی توجه داشته باشیم (علوانی، ۲۰۰۵ الف: ۱۰۴). او یکی از معضلات و چالش های مهم جهان اسلام را فقدان هویت فرهنگی مسلمانان در برابر غرب و اعتقاد به جهانی بودن فرهنگ غربی می داند (علوانی، ۲۰۰۱ الف: ۴۸-۴۹). او معتقد است یکی از موانع تحقق وحدت که جلوی پیشرفت مسلمانان را گرفته و از اسباب ناکامی در رشد و توسعه در بلاد اسلامی به حساب می آید، فاصله و شکافی است که میان هویت و عقیده امت و میان برنامه هایی است که در راستای غربی سازی جامعه انجام می شود (علوانی، ۲۰۰۳: ۲۱۲).

پروژه وی هدف محور است، او اهداف دین را جهانی می داند. از نظر وی «حاکمیت کتاب و عالمیت خطاب» و شریعت رحمت و «امت شاهد» پایه هایی اساسی است که دین بر آنها استوار است. لذا این گستردگی خطاب یک درک و شعور گسترده ای می طلبد که در قالب جمعی و همگانی باید انجام شود، نه در قالب جزئی. او معتقد است که ما در ظلمت های مرکبه به سر می بریم و یک نور مرکب در دسترس داریم و نیازمند تلاش بشری دوجندانی است تا اصلاح صورت گیرد، لذا حزبیبت تنگ نظرانه یا راه حل های فردی و جزئی کارساز نیست (علوانی، ۲۰۰۷: ۱۰۲-۱۰۳).

۴. جایگاه وحدت در اندیشه علوانی

علوانی معتقد است که اسلام آن اندازه تأکیدی که بر کلمه توحید و توحید کلمه داشته، بر هیچ امر دیگری نداشته است، او وحدت اجتماعی را انعکاس عملی «کلمه توحید» می داند به این معنا که کسانی که رب واحد، کتاب واحد و قبله واحد دارند و هدف خلقت یکسان و هدف زندگی واحدی را دنبال می کنند، پس بالضروره باید «توحید الکلمه» داشته باشند (علوانی، ۱۹۸۷: ۸-۹). تاجایی که او اخلال به وحدت را از نواقض توحید می داند (علوانی، التقریب بین المذاهب ودعائمه، سایت رسمی <https://alwani.org/>). وی معتقد است امت اگر در وحدت خود تفریط و کم کاری کند، در وجود، حیات و حال و مستقبل خود تفریط کرده و نقشی که بایستی در بشریت ایفاء کند بسته به وحدت آن است (علوانی، مفهوم الأمة وواقعها، سایت رسمی علوانی). او می گوید اگر سطح فهم ما

ارتقا پیدا می کرد، می فهمیدیم که ما میان وحدت و فقر، وحدت و بیماری، وحدت و گرسنگی، وحدت و ترس، وحدت و مرگ یکی را بایستی انتخاب کنیم که قطعاً همان وحدت است (علوانی، الوحدة العربیة ضرورة حتمیة، سایت رسمی علوانی).

به لحاظ دینی او معتقد است که فرقه هیچ گاه نمی تواند دین را اقامه کند، به دو دلیل: اول به این دلیل که خاستگاه فکری آن بر فهم جزئی از دین مبتنی است، و لذا از جامعیت لازم برخوردار نیست، دوم به این دلیل که او در مقام عمل در برابر تجمع و وحدت حرکت خواهد کرد، در حالی که اقامه دین با تفرقه امکان پذیر نیست، پس عملاً چگونه می تواند این نقش را ایفاء کند (علوانی، ۲۰۱۷: ۳۱۷).

علوانی وحدت را به عنوان اساس و پایه تمدنی مسلمانان می داند به این معنا که برای اینکه امت اسلامی بتواند در صحنه جهانی ایفای نقش بکند، بایستی از مولفه های اساسی امت تن دهد و یکی از این مولفه ها وحدت و همزیستی است. او باید اصول اولیه وحدت و همزیستی را رعایت کند. چنانچه وضع موجود را محصول دوری از قرآن و سنت قرار داده و معتقد است که ما نه فقط از جهانی بودن اسلام و وحدت امت عقب نشستیم بلکه به حد جزئیات متصارعه، متنازعه و متناقضه کاهش یافتیم (علوانی، ۲۰۰۷: ۸۰-۸۱).

علوانی ظهور مذاهب در درون امت یا یک موجود اجتماعی را امری فطری می داند که ابتدا به ساکن منافاتی با امت واحده ندارد، چون همه چیز در این دنیا بر زوجیت استوار است، یعنی به گونه ای این فعل و انفعال های بظاهر مخالف هم می توانند مکمل و متمم هم دیگر و مولد باشند و به حیات خود استمرار ببخشند، اما چالش زمانی پدید می آید که این تنوعات و اختلافات حالتی از عداوت، کینه ورزی، تعصب و تحزب به خود می گیرد (علوانی، ۱۹۸۷: ۱۱-۱۲).

۵. آسیب شناسی وحدت:

مشکلات امت مسلمان در عصر حاضر از قلت مادیات یا تنگنای معیشتی نیست، بلکه آنها به لحاظ مصرف گرایی در بین اقوام و ملل جهان در مراتب نخست قرار دارند، علوانی معتقد است که بیماری اصلی آنان در فقدان معانی جامع و نبود تکیه بر مشترکات و اهدافی یگانه است که در نتیجه آن مشروعیت بزرگ را در زندگانی از بین بردند و بنیان های فکری شان دچار اختلال گردیده است (علوانی، ۱۹۸۷: ۱۵). از نظر وی مسایل اجتماعی و تمدنی جهان اسلام به بنیاد های فکری و منهج های نظری او وابسته است و ریشه مشکلات امت در فکر امت است و انسان مسلمان از تغییر ابا دارد، آنگونه که خداوند می فرماید «به راستی خداوند تغییر نمی دهد وضعیت قومی را مگر آن که

آنها تغییر دهند وضعیت خودشان را» (العلوانی، ۲۰۰۱ الف: ۴۲). مهم ترین مسئله دوری از حاکمیت قرآن و سنت است. او معتقد است برای اینکه از قرآن و سنت در عین حالی که ادعایش را داریم دور باشیم، شیوه هایی برگزیدیم که واقعیت موجود را توجیه کند و واقع را بر نص حاکمیت دادیم. از این رو درست برعکس حاکمیت قرآن و سنت با شیوه گزینشی آنچه که خواستیم گرفتیم و بقیه را رها کردیم و لذا از منهج او فاصله گرفتیم (العلوانی، ۲۰۰۷: ۸۱). او شیوه های حماری و گاوی را در فهم قرآن مردود اعلام می کند و به جای آن از شیوه انسانی سخن می گوید. منظور از شیوه های حماری حمل قرآن به دون فهم است و شیوه های گاوی همان شیوه بنی اسرائیلی است که در ظواهر و رنگ ها منحصر می شود، اما شیوه انسانی شیوه ای است که از قرآن نظم زندگی را جستجو می کند و زندگی انسانی را بر اساس قرآن تنظیم می کند (العلوانی، سل القرآن، سایت رسمی علوانی).

علوانی جمود را نیز یکی از عوامل تفرقه می داند و معتقد است که امت بعد از چند قرن نخستین از یک حالت تحرک فکری به حالتی از جمود تغییر جوهری پیدا کرد و تشخیص سره از ناسره برایش دیگر مقدور نبود. خلط بین جزئیات و کلیات و فراموش کردن مقاصد و مبادی دلیل عمده افتادن در ورطه اختلافات فرعی و جزئی است (العلوانی، ۲۰۱۷: ۵۴).

علوانی «فرهنگ اختلاف» را ریشه یابی کرده و تصورات نادرست بنیادینی را در پدید آوردن این فرهنگ به ما نشان می دهد، از جمله فهم نادرست برخی از آیات مانند «لا يزالون مختلفین الا من رحم ربک و لذلک خلقهم» (هود: ۱۱۸-۱۱۹) که بسیاری فکر می کنند اسم اشاره به اختلاف بازگشت می کند و خداوند ما را آفریده است تا اختلاف بکنیم بدون در نظر گرفتن تفصیل و تحفظات و اما و اگرها. او معتقد است خداوند ما را برای هدایت آفریده است، و ما را مکلف کرده که زمین را آباد کنیم و تکافل، اقامه عدل و نشر ارزش های خیر کنیم و این امور بدون مجموعه ای هم گرا، اخوت مدار، متکامل و باورمند به وحدت بشریت چگونه امکان پذیر است. پس سوی فهمی بیش نیست که اختلاف را غایت و مقصد بدانیم. مسئله دیگر خود حق پنداری و احاطه به تمامی حقایق است، لازمه این دیدگاه آن است که انسان خود را محق مطلق و مخالف خود را خارج از حق، مستحق جهنم و ما دون از خانواده بشری می پندارد (العلوانی، نحوه آلیه اسلامیة لاحتواء الاختلافات و حل المنازعات، سایت رسمی العلوانی). علوانی معتقد است که انسان نسبی نمی تواند به حقیقت مطلق دست یابد و لذا ادعای تملک حقیقت تنها مایه تعصب و فرقه گرایی است و عایدی جز این ندارد (العلوانی، الطائفية - حلول ومقترحات، برگرفته از صفحه رسمی).

عامل دیگر سیاستمداران هستند که برای اهداف خود به طبل تعصبات مذهبی و فرقه ای می

کوبند و تفرقه را برای تقویت قدرت های گروهی و ملی خود به کار می برند، او به لحاظ تاریخی به اختلافات عثمانی و شاه صفوی و قاجاری و ضربه هایی که امت از در این اختلاف خورده و باعث نفوذ استعمار غربی در میان مسلمانان شده، اشاره می کند (العلوانی، الطائفية - حلول ومقترحات، برگرفته از صفحه رسمی). او در این راستا ایده دکتر شریعتی مبنی بر تفکیک میان تشیع علوی و صفوی را نیز مورد توجه قرار می دهد. (العلوانی، التشیع العلوی و الصفوی، برگرفته از صفحه رسمی). نقش اسرائیل در منطقه نیز از چشم وی مغفول نمانده و یکی از عوامل تفرقه را اسرائیل می داند که منافع او با تقسیم ملت های عرب وابسته است، در کنار آن آمریکا است که می خواهد سلطه خود را بر منطقه همچنان حفظ کند (العلوانی، خواطر حول إعادة بناء الأمة قسمت ۱، سایت رسمی العلوانی).

از منظر اجتماعی ظلم عامل بنیادینی در تفرقه امت قلمداد می شود، چنان که علوانی از این نکته نیز غافل نمانده و ظلم و جبری که از دوران امویان بر امت حاکم شده را مورد توجه قرار داده و می نویسد: «أن الظلم هو الذي أسس للفرقة والاختلاف والتفتت وتحارب المسلمین ونشوء الفرق؛ علوانی این عبارت را در مورد اوضاع اواخر قرن نخست به کار گرفته که ظلم باعث تفرقه و اختلاف و پراکندگی و به جان هم افتادن مسلمانان و پیدایی فرقه ها گردیده است. او در ادامه همین نوشتار تنها راه برون رفت از این وضعیت را اقامه عدل و اعطای حقوق به ذی حق می داند و می گوید: « من أراد الوحدة فعلیه بالعدل » کسی به دنبال وحدت است، بایستی عدل پیشه کند (العلوانی، إسقاطات التراث على الواقع قيمة العدل، سایت رسمی العلوانی).

در نگاه علوانی عواطف و احساسات نیز در پررنگ نشان دادن اختلافات نقش قابل توجهی دارند. چنان که می بینیم بسیاری از اختلافات در ابتدا کوچک بنظر می رسد، اما به زودی بزرگ می شود و عواطف و احساسات آنها را بزرگ می کند و تبدیل به یک بحران عمیق می شود (العلوانی، نحو آلية اسلامية لاحتواء الاختلافات و حل المنازعات، سایت رسمی العلوانی).

۵.۱. حدیث فرقه ناجیه:

یکی از ویژگی های رویکرد وحدت گرایانه العلوانی که می توان به عنوان شاخص رویکرد تمدنی وی نیز در نظر گرفت این است که او در دام فرقه گرایی نیفتاده، بلکه بر عکس تفکر «فرقه ناجیه» را یکی از خطرناک ترین افکاری می داند که وارد امت اسلامی شده است، او معتقد است که این حدیث مبنایی برای علم فرق و ملل و نحل شده است. در حالی که سندش ضعیف است و متن آن مشکلات عدیده ای دارد (العلوانی، این هی الفرقة الناجية من المسلمین الیوم؟، سایت رسمی). به گفته العلوانی

تنها چیزی که می توان باور داشت این است که رسول خدا ص اگر هم از اختلاف امت سخن گفته، نه به عنوان پیش گویی حتمی بلکه از باب تحذیر و انذار در اینکه مبدا امت روزی در اختلاف و تفرقه بغلطد و اگر کسی به تفرقه روی آورد مطابق با آیات، با وی همانند کسی که راه بغی، ظلم و زیادتی را درپیش گرفته مبارزه کرد تا به راه درستی برگردانده شود. فهم مبتنی بر فرقه نویسی و حق پنداری خود و اینکه چنین اختلافی حتمی و قطعی است، نمی تواند مراد رسول الله باشد، چون با ظاهر قرآن که بر تألیف قلوب و دور انداختن عوامل تفرقه و کاهش دادن پیامدهای آن تأکید داشته سازگاری ندارد. العلوانی برای اثبات ادعای خود به آیاتی استناد می کند که می گوید خداوند کسی را که بعد از ایمان مشرک شود، نمی بخشد، و سپس ضمیمه می کند با آیاتی که درباره مشرکان می گوید «کسانی که دین خود را تکه تکه کردند و تبدیل به گروه ها و فرقه های گوناگونی شدند». و می گوید اینها چگونه بخشیده می شوند، اسلام یکی است. «امر خداوند و «حبل الله» یکی است، پس مسلمانان در هر قوم و طایفه و نژاد که باشند بایستی یکی شوند و تفرقه را کنار زنند. او به مسئله نجات نیز اشاره می کند و آن را امری فردی می داند و نیز اینکه افتخارات مذهبی و اکتفاء به منتسب شدن به فرقه ها را کنار بگذاریم (ر.ک ابو حلیوه، ۲۰۱۱: ۹۶-۹۸. العلوانی، تفکک مفهوم الامة و ضرورة المراجعة).

این حدیث برای وی چنان دغدغه بوده که زمانی او برای شرکت در کنفرانس تقریب مذاهب اسلامی در سال ۱۳۷۸ به ایران آمد، این حدیث را مطرح و نقد کرد و افزود که این حدیث به لحاظ سند و متن قابل مناقشه و از دایره صحت بیرون است، اما فرقه ها و جدال های سنگینی که بر اساس این حدیث راه افتاد باعث شد هر فرقه ای خود را ناجی و دیگر فرقه ها را هالک بداند و بابتی وسیع جلوی تکفیر مخالفان گشوده شود (برگرفته از سخنان وی، سایت مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی، ۱/۰۷/۱۳۹۷).

۶. رابطه میان وحدت و تمدن

پرسش اصلی و بنیادین در باره نحوه ارائه راه حلی برای تحقق وحدت با هدف احیای تمدن اسلامی است. علوانی علاوه بر اینکه اهداف و مقاصد کلی را ترسیم می کند، عناصر دیگری نیز برای تبیین این رابطه دارد. او می گوید امت نیاز به مسئولیت پذیری دارد و بایستی مسئولیت شرعی، سیاسی و تاریخی خود را بشناسد و تعصب و تحجر را کنار بگذارد و بجای آن عقلنه و تعقل دینی را سرلوحه خود قرار دهد، و این کار از طریق تمرکز روی ثوابت مشترک برای مدیریت اختلاف به کار گرفته شود، تا اختلاف به حالت تنوع برگردد و تنافر به حالت غنای جمعی بازگردد (العلوانی، مفهوم الطائفية). اینکه چنین تمرکز چگونه و بر اساس چه محورهایی صورت گیرد، با جستجو در آثار

علوانی به محورهای زیر می توان دست یافت:

۶.۱. وحدت اجتهاد و عمل جمعی:

به باور علوانی تنها راه برای رسیدن به تمدن اسلامی اسلامی سازی معرفت و دانش های انسانی است و برای اینکه این تلاش ها نتیجه دهد بایستی مناهج معرفتی سمت و سوی مشخصی پیدا کند و مشکل اینجا است که الان ضوابط خود دچار اختلاف شده است، لذا بایستی به جای تنظیم فردی، به تنظیم اجتماعی پرداخت و از طرفی تفکری که خود را به عنوان نماینده امت و مفسر اراده او قلمداد کند، به بدتر کردن اوضاع می انجامد و از درک عمق مسئولیت و پیچیدگی آن عاجز است و نه تنها به پدیده آمدن وضعیتی که در آن حرکت جمعی امت رخ بدهد، کمکی نمی کند بلکه به فرقه یا طایفه ای بر فرقه های موجود می افزاید. لذا قرآن کریم از سلیبیت این تصور ما را بر حذر قرار داده و به وحدت امت و جمعی بودن نظر و عمل تأکید کرده و آن را ضابطه مند ساخته است، چنانچه می فرماید: ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر (آل عمران: ۱۰۴). یعنی باید امت باشند و دعوت به خیر بایستی تداخل نسبی با امت داشته باشد و نه انفصام و جدایی کامل، همچنین در تعامل و احترام و در راستای تلاش های جمعی باشد. و دیگر اینکه با مبانی و اهداف اصلی نیز همسو باشد و منجر به تفرقه و تمزق و از هم پاشیدگی نشود. او نتیجه می گیرد که عمل جمعی در راستای وحدت امت یک گمشده مسلمان است و ورود در «السلام كافة» تنها از همین طریق ممکن می شود. و همین راهی است که عوامل فرقه گرایی را از بین می برد (علوانی، ۲۰۰۷: ۹۸-۱۰۰). او می گوید مشکلات پیچیده و مرکب ما متقاضی نور مرکبی است که جمعی بودن تلاش ها را نیز لازم می کند، هیچ گروهی نمی تواند مدعی شود که تنها قادر است بر ظلمات مرکبه فایق آید، به ویژه آنکه علوم پیشرفت های زیادی کرده و دایره آنها بسیار گسترده شده است (العلوانی، ۲۰۰۷: ۱۰۰).

او می گوید بخش اعظم اسباب اختلاف امت به این بر می گردد که حدیث مورد نظر نزد من درست و نزد شما درست نیست، لذا بایستی راه حلی برای این معضل ارائه داد (العلوانی، ۲۰۰۱: ۱۰۵). برای اینکه به وحدت منهج در حدیث برسیم، علوانی چند مطلب مهم را مطرح می کند، یکی اینکه سنت پیامبر وحدت بنائی دارد یعنی رابطه قرآن و سنت باهمدیگر و رابطه احادیث با احادیثی دیگر بمنزله یک ساختمان در نظر گرفته می شود که مکمل همدیگر اند، لذا همانگونه که در کلام پیامبر (ص) اضطراب، اختلاف یا تناقضی وجود ندارد، در سنت حاکی از آن نیز نباید چنین باشد. پس بایستی سنت را عرضه بر هم بکنیم همچنان که عرضه بر قرآن بکنیم و به وحدت بناء برسیم (العلوانی، ۲۰۰۱: ۱۰۲). دوم اینکه از جزئی به کلی صعود بکنیم، یعنی سنت یک امر کلی

است که در موسوعات ما متبلور شده است، و ما باید از طریق جزئیات به یک کلیت متجانسه برسیم، اما اگر ما کلی را در حد جزئی کاهش بدهیم، این اختلاف تمامی نخواهد داشت، چون هر کسی حدیثی که در نظر وی قریب به موضوع است را تطبیق خواهد داد، در حالی که بایستی تمامی احادیث و واقع قضیه و جوانب آن سنجیده شود، و سپس رابطه آن با کل و نیز رابطه آن با آیات قرآن که در رابطه با موضوع مطرح شده سنجیده و سپس به اجتهاد پرداخته شود (علوانی، ۲۰۰۱: ۱۰۵). نکته سومی که وی در این رابطه مطرح می کند تفسیر تحلیلی و تفسیر موضوعی سنت پیامبر ص است، و برای این کار بایستی از علوم اجتماعی و انسانی کمک بگیریم چون تفسیر بسیاری از پدیده های اجتماعی و تاریخی را می توان از این طریق بدست آورد (علوانی، ۲۰۰۱: ۱۰۶).

۶.۲. قرآن محوری:

علوانی معتقد است که شعور امت بودن، توجه به مسئولیت های آن و چگونگی بازسازی آن را از قرآن باید آموخت و بدین خاطر او منهج قرآنی را برای بازسازی امت مطرح می کند. او معتقد است که واقعیت ها را باید بر متن قرآنی عرضه کرد و راه حلی برای آن دریافت کرد. مشکلات فعلی امت را از مطالعه واقع بینانه آن به دست آورد و سپس به راه حل آن پرداخت. علوانی بر روح جمعی حاکم بر اسلام تأکید جدی دارد و معتقد است به جز درپاداش همه آموزه ها رنگ جمعی دارد و لذا روح جمعی را باید آموخت و همان گونه که در گذشته، قرآن کریم به قلع و قمع تفرقه موفق بوده است، امروزه نیز می توان در میان مسلمانان وحدت ایجاد کرد (علوانی، المنهج القرآنی لإعادة بناء الأمة وتوحيد كلمتها، سایت رسمی علوانی). علوانی حاکمیت کتاب را به عنوان اساسی ترین مسئله تمدنی مورد توجه قرار می دهد. او در رساله مختصری که تحت عنوان حاکمیت القرآن نگاشته، تصور حاکمیت الهی را بر بستر تاریخی عبرانی-سامی مورد توجه قرار می دهد. او در ابتدا تمدن سومری و اکدی را به عنوان تمدنی که بر اساس تصور نمایندگی از خداوند استوار است ذکر می کند، از آنجا به تطوری که در بنی اسرائیل رخ داد منتقل می شود. او معتقد است نظم قبیله ای که بر مناسبات خونی و نژادی استوار است، در بنی اسرائیل با حاکمیت مطلق الهی ترکیب یافته و آنها با این تفکر که قومی برگزیده از جانب خداوند (شعب الله المختار) هستند یک حکومتی تشکیل می دهند. سپس وقتی دچار ظاهر گرایی می شوند، مسیح آنها را به اصلاح دعوت می کند و در عین حال بر قوانین تورات نیز صحنه می گذارد. اما اسلام بر محوریت کتاب تأکید دارد. در اسلام حق تشریح متعلق به خداوند است و اراده او در قرآن بیان گردیده است، لذا انسان حاکمیت کتاب را با فهم و شعور و وعی خود به صحنه می آورد. نگاه علوانی به قرآن به عنوان متنی است که بر ارزش های مشترک انسان تأکید دارد

و از این رو او معتقد است که در این مرحله حاکمیت در واقع متعلق به بشر است، اما بشری که ارزش های مطلق کتاب الاهی را به عنوان خلیفه او در زمین نافذ می کند (العلوانی، ۱۹۹۶: ۶-۴۰). بدین ترتیب قرآن محوری از منظر علوانی اساس وحدت منهجی امت تلقی شده و انحصار حق حاکمیت در خداوند به عنوان امتیاز و نکته قوت این امت و عامل انسجام آن مطرح گردیده و قرآن به عنوان متن محوری این تشریح در نظر گرفته شده است.

او بر زبان عربی به عنوان زبان قرآن تأکید دارد، بلکه می توان گفت برای آن موضوعیت قایل است. علوانی یکی از اسباب ضعف و سستی و سپس از بین رفتن دولت عثمانی را بی توجهی به زبان قرآن که همان زبان عربی است می داند. او زبان قرآن را به عنوان ریشه ای ترین عنصر و سرچشمه امت اسلامی قلمداد می کند و این زبان را با توجه به لسان القرآن و زبان علم، فقه، معرفت و فرهنگ مورد توجه قرار می دهد (العلوانی، ۲۰۰۶: ۲۱-۲۲). او عرب را به عنوان قلب امت تلقی می کند و زبان عربی را به عنوان اساسی ترین نکته مقدمه ای برای وعی و شعور وحدت امت مطرح می کند (العلوانی، ۲۰۰۶: ۲۳). شاید بدین خاطر نیز هست که او گاه به طور مشخص از وحدت عربی نیز سخن به میان آورده است (العلوانی، الوحدة العربیة ضرورة حتمیة، سایت رسمی).

۱.۶.۳ احیاء و بازسازی امت:

علوانی می گوید هیچ راه خلاصی برای مسلمانان جز با «اعادة بنای امت» در عرصه مفهوم و واقع وجود ندارد (العلوانی، ۲۰۰۵: ۱۵). علوانی معتقد است در تاریخ اسلام مفهوم فرقه ناجیه بر مفهوم امت چیره شده و طغیان کرده است (العلوانی، ۲۰۱۷: ۳۲۰). مفهوم امت در نگاه علوانی با جمعیت یا جغرافیای سرزمینی گره نخورده، بلکه با مبدأ و بنیان اسلامی آن گره خورده است، حتی اگر یک شخص مانند ابراهیم باشد قرآن او را امت خطاب می کند (العلوانی، ۲۰۰۵ الف: ۱۱۳). در جایی دیگر او حرکت را در این مفهوم مد نظر قرار می دهد و می گوید مفهوم امت به دو چیز وابسته است، یک اصلی بنیادین و محوری ای که ما سوای او به آن بازگشت کند و دوم تجمع مردم حول این اصل (العلوانی، ۲۰۱۷: ۳۱۳). او معتقد است که اشتراک در اهداف و جهان بینی کلی امت را شکل می دهد. چنان که می نویسد: «فهی اسم لمن یجتمعون علی أمر هام ویشترکون فی رؤیة ومنهج وغایة» (العلوانی، مفهوم الامة و واقعها، سایت رسمی). یعنی امت نامی است برای مجموعه ای انسانی که به لحاظ جهان بینی، منهج فکری و اهداف اشتراک نظر داشته باشند.

از منظر علوانی امت در عین بساطت مفهومی وقتی با پسوند اسلامی گره می خورد، دارای ابعادی قرآنی گسترده ای است. وی معتقد است که ساختار امت اسلامی به دستان خداوند پایه

گزارای شده و در قرآن ابعاد آن مشخص شده و نشان دهنده نقشی است که بایستی به عنوان امت ایفا کند و وجود او بستگی به این نقش دارد، از جمله آن ابعاد، برخورداری از امانت (الاهی)، استخلاف، حضور تمدنی، خیریت (ناظر به آیه خیر امة..)، وسطیت و اعتدال، ابتلا و آزمایش، عمران و آبادانی، امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به سوی نیکی، تکریم و بزرگی انسان و برده نگرفتن او، توحید و یکتایی به الوهیت و ربوبیت و صفات خداوند و ایمان به انبیاء و حمایت ضعفاء از اقویا و احسان به تمامی مردم است» (العلوانی، مفهوم الامة و واقعها، سایت رسمی).

وی با روش شبکه مفاهیم قرآنی به این نکته نیز می پردازد که در نکته مقابل امت در قرآن کریم، فرقه و طایفه آمده است، چنان که می فرماید: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا» (یونس: ۱۹). «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ فَتَقَطُّوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِرْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (المؤمنون: ۵۲-۵۳) وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (آل عمران: ۱۰۴-۱۰۵) او معتقد است هر چند واژه «تفرق» در قرآن حالت های ایجابی نیز دارد، اما «تفرق در دین» مطلقاً حالتی سلبی دارد و تفریق دین در واقع نشئت گرفته از رویکرد «عضینی» و گزینشی و تکه تکه فهمیدن قرآن بجای شمولی و فراگیر فهمیدن است (العلوانی، ۲۰۱۷: ۳۱۶-۳۱۷).

علوانی فقه الکلمة را در این باره خیلی مهم می شمارد و برای برخی واژه ها موضوعیت بنیادینی قایل است، از جمله واژه «امت»، «اخوت» و «وحدت» و به احیای آن تأکید دارد، در کنار آن آگاهی دادن به فرزندان امت نسبت به مسئولیت های زمانی و اصلاح فرهنگ های بومی با آموزه های اسلامی را از جمله پیشنهادهایی برای تألیف قلوب می داند (العلوانی، التقریب بین المذاهب و دعائمه، سایت رسمی علوانی).

او به پژوهشگران تاریخ پیشنهاد می کند که از زاویه دید تاریخ تفکر مسلمانان، بایستی سه دوره را در نظر بگیرند، نخست: از عصر تشریح تا عصر تدوین، دوم: از عصر تدوین علوم که از دهه های آغازین قرن دوم شروع شد و در آن فلسفه و دیگر علوم یونانی و ... با متون دینی خلط شد و این میراث ملغمه ای از اسلامی و یونانی و دیگر فرهنگ ها قرار گرفت و عصر سوم متعلق به زمانی است که مسلمانان به عقب افتادگی خود از غرب پی بردند و از طریق مقاربه و نزدیکی جویی و سپس از طریق مقارنه و مقایسه میراث خود را با میراث غربی یکی انگاشتند (العلوانی، تفکک مفهوم الامة و ضرورة المراجعة، سایت رسمی). از این منظر اگر بنگریم پروژه علوانی برای بازسازی امت یک پروژه قرآنی و ناب گرایانه بنظر می رسد. یعنی او با درنظر گرفتن و احیای مفاهیمی خالصتاً قرآنی برای امت

به دنبال ایجاد و تحقق بخشی رؤیای امتی قرآنی است و بدین طریق پروژه امت سازی وی نزدیک به پروژه سید قطب و مودودی می شود. اما منظر دیگری نیز وجود دارد و در آن علوانی از آن دو و بلکه تمامی نهضت های سیاسی فاصله می گیرد، مبنی بر این نظر که اعاده امت از طریق تلاوت قرآن آن گونه که پیامبر اسلام انجام داده بود، امکانش نیست، بلکه زمانه جدید نیاز به الزامات جدیدی برای احیای امت دارد، و آنها عبارت است از اینکه علاوه بر «امت دعوت» که خود فهم و درک امت واحده را داشته باشد، امت اجابت نیز این مسئله را به گونه ای بپذیرد، یعنی گیرایی برای تشکیل امت در امت اجابت نیز وجود داشته باشد، لذا دعوت به طرز سیاسی امکان پذیر نیست، چون رابطه امت دعوت و امت اجابت نمی تواند رابطه سیاسی باشد (العلوانی، ۲۰۱۷: ۳۲۵). همچنین او معتقد به بنای امت قبل از بنای دولت و حکومت است، او پرسشی را مطرح می کند اینکه آیا پیامبر بنای امت کرد یا بنای دولت؟ پاسخش آن است که پیامبر امت را بنا کرد و دولت فرع آن بوده است. او حتی می گوید که در خطابات پیامبر اثری از دولت گرایی نیست، بلکه امت گرایی است و نقش صحابی و همراه که به اصطلاح قرآنی «والذین معه» آمده، بجای نقش شهروند یا رعیت مطرح شده است و رابطه آن دو بیشتر بر تعقل و ایمان و اطاعتی ناشی از اینگونه مسایل است نه دولت و اقتدار سیاسی، لذا علوانی تصورات خلافتی و ظل الهی را به نقد می کشد، همچنین تصوراتی که امروزه در اثر مقارنه و مقایسه با جهان غرب از قدرت نشئت می گیرد را نیز به نقد می کشد و معتقد است که مسلمانان باید سعی کنند یک امت اجابت به معنای واقعی باشند و همزمان یک امت دعوت باشند، تا دعوت جهانی را محقق سازند، اقامت امت اصل و اقامت دولت فرع آن است، و تا وقتیکه اصل نباشد تحقق فرع در واقع تحقق امت اجابت نیست، بلکه تحقق طایفیت و تفرقه است (العلوانی، ۲۰۱۷: ۳۲۶-۳۳۰).

۶.۴. محوریت دادن به مقاصد کلان جهانی:

علوانی اسلام حرکی (پویا) را به عنوان پروژه اصلاح امت در سرلوحه کارش قرار داد، در برابر اسلام تقلیدی که از علمای سنتی نشئت می گیرد، لذا او دوگانگی میان فکر و فقه را که پدیده ای معاصر در جامعه اسلامی بوده مورد توجه قرار می دهد. او معتقد است کسانی مانند نابینی، کواکبی، سید جمال، عبده و دیگران که پروژه اصلاح امت را در پیش گرفتند، در برابر فقهای سنتی و علمای تقلیدی قرار دارند که با فتاوای سطحی و ساده نتوانستند خود را با عمل امت وفق بدهند. لذا فقه الاولیات که عهده دار فهم مسایل مهم روز جامعه اسلامی می باشد، از نظر علوانی یکی از مهم ترین بخش های فقه اسلامی بایستی باشد، این فقه حاصل تلاش ترکیبی از سمع و عقل و عرف و تجربه و خیره و با کمک دیگر علوم اجتماعی و اسلامی بایستی دنبال شود تا بتواند اولویت های

جامعه اسلامی را شناسایی و برای آنها برنامه ریزی کند (العلوانی، ۲۰۰۵ الف: ۶۷-۷۸). اما از طرفی نیز پروژه حضاری و تمدنی علوانی، امت محور است، لذا او ابزار قرار دادن دین برای رسیدن به سلطه سیاسی را نیز درست نمی داند و معتقد است اگر دین به عنوان وسیله ای برای نزاع و درگیریهای سیاسی به کار رود، آن گاه در قبال شعار «الاسلام هو الحل» شعارهایی از قبیل «حفظ وحدت ملی»، «جلوگیری از فتنه طایفیت»، «تشکیل جامعه مدنی»، «نه به ارباب نه به عنف سیاسی» «نه به بنیاد گرایی» و... قرار می گیرد که باعث می شود اسلام که دین امت و منهای کامل امت و مرجع آن است تبدیل می شود به چیزی که با این «لا» ها نفی شده است. و این اوج بحران فرقه گرایی در عصر جدید است. از این رو بایستی به فکر چاره ای برای نفی بحران فکری امت در زمان جدید باشیم (العلوانی، ۲۰۰۳ الف: ۳۵-۳۶).

علوانی معتقد است که این بحران را نه در قالب های کوچک تاریخی و مدل هایی مانند عمر بن عبدالعزیز، ایوبی، ابن تومرت، شافعی، غزالی و نه در مرجعیت غربی سلطه جو و نه در چارچوب های فقهی موجود بلکه در چارچوب مقاصد کلان و علیای اسلامی بایستی حل کرد. لذا «انسان تغییر» در قالب «امت تغییر» بایستی موجود شود (همان: ۳۶). وی این مقاصد کلان را گاه در سه مقصد توحید، تزکیه و عمران خلاصه کرده (العلوانی، ۲۰۰۵ الف: ۱۳۵) و گاه مسایلی مانند امنیت، آزاد اندیشی و عدالت را نیز بر آن ها افزوده است (ر.ک: العلوانی، الامن / همو، العدل والعدالة، سایت رسمی العلوانی). به طور کلی علوانی معتقد است وقتی «فعل حضاری» تبدیل به عبادت شود، آن گاه امت احیاء و شهود تمدنی وی در اسرع وقت محقق خواهد شد (العلوانی، ۲۰۰۳: ۲۱۳).

او گام هایی را برای تحقق مثلث توحید، تزکیه و عمران، تبیین می کند:

اولین گام تشکیل مؤسساتی است که مقاصد و ارزش های قرآنی را فعال سازی و از ذهنیات به حقایق واقعی و عینی تبدیل کنند. مفهوم قرآنی امت با اصول تکوینی خود ارتباط پیدا کند با عقیده، عبادات و مناسک و شعایر و معاملات. دوم این که روشی برای تربیت و تکوینی شخصیت انسان مسلمان برای تشکیل و بازسازی امت از طریق فرد امت محور و خانواده امت محور استخراج شود. سوم اینکه افرادی را تربیت کنند که کاملاً ایمان قرآنی و مستوعب و مسلط بر مقاصد قرآنی باشند تا افراد امت را بر شاکله ابراهیمی تربیت کنند.

چهارم این افراد خانواده هایی تشکیل دهند که خانواده های امت باشند و این پایه هایی باشد برای امت دعوت که بر ایمان، عقیده و عمل صالح و تنافس در خیرات بنا شده باشد و شبکه علاقات نسب و صهر و اطمئنان و مودت و رحمت که روح جمعی را شکل می دهد و دربرگیرنده دوام و

پایداری است. پنجم بر گردن اینها است که مدل و ماتویی از امت را به طور حقیقی از منظر نفسی و عقلی نشان دهند. و نهایتاً در مرحله ششم امت دعوت و اجابت بازگشت می کند که راجع به امت های زمین مسئولیت خود را می شناسد و آن را به خداوند و رسول دعوت می کند و بشریت را تماماً تبدیل به امت اجابت می کند (عشماوی، بی تا: ۴۵-۴۶).

او پروژه تمدنی یکسانی را یک الزام همگانی می داند و از تمامی امت اعم از اسلام گرایان و سیکولارها می خواهد که با امت همسو، هم رنگ و همدل شوند و روان و تعقل و تراث و خصائص و تاریخ را دریابند و تلاش کنند تا از طریق وحدت منطق و وحدت هدف به آینده تمدنی امت مسلمانان تلاش کنند (العلوانی، ۲۰۰۳: ۲۱۴).

علوانی در کتاب «الازمة الفكرية و مناهج التغيير» محاصره شدن افکار انقلابی و حرکتی مسلمانان از دو طرف پایین و بالا را به نحوی احسن به تصویر می کشد، او می گوید که هیمنه تمدن جهانی غرب از بالا تمدن اسلامی را محاصره کرده و اقلیات دینی، نژادی و طایفی از پایین به آن فشار وارد کرده است، چون تمدن اسلامی چالش های خود را با هیچ کدام از آن دو حل نکرده است و لذا یک «دولت ملی سیکولار منطقه ای فراگیر» خیلی بهتر از یک دولت عربی سنی اسلامی است. چون محدودیت های مذهبی و قومی و طایفی را ندارد. برای خروج از این چالش بایستی راه حل های اساسی تری را دنبال کرد (العلوانی، ۲۰۰۳ الف: ۴۲). او سعی دارد فراگیری و شمول را در نظریه امت گرایانه و بشرگرایانه تمدنی خود دنبال کند و با برشمردن ویژگی هایی مانند شمول و فراگیری ابعاد زندگی، گستردگی و شمول به تمامی بشریت، غایت مندی و هدفمندی جهان و مسایلی از این قبیل دعوت جهان شمول را ارائه می دهد تا بتوان تمدنی جدید را برای رسیدن به «السلام كافة» پایه گذاری کرد (العلوانی، ۲۰۰۳: ۱۱۳-۱۳۰).

۷. نتیجه گیری:

علوانی پروژه بازسازی امت مسلمان را بر اساس «حاکمیت کتاب و عالمیت خطاب» دنبال کرده است. از دیدگاه علوانی، امت مسلمان از منظر قرآن یک مسئولیت جهانی را برعهده داشته و شهود تمدنی وی به عنوان امتی شاهد و دارای وسطیت و اعتدال می بایستی در سطح جهان و در راستای تحقق «السلام كافة» می بود. اما به لحاظ منهج فکری دچار انحطاط شده و جمود حاکم بر آن باعث افتادن در ورطه نزاع های جزئی شده است. او سعی دارد امت را به فکر نظم نوین جهانی سوق دهد که بر اساس دینی جهانی و فراگیری مانند اسلام تحقق پیدا می کند. از این رو تلاش علوانی بر آن است تا به بازسازی روش اجتهادی مسلمانان بپردازد تا مسلمانان رویه ای واحد را در مواجهه با قرآن و سنت دنبال کنند. در کنار آن گذر از نزاع های فرقه ای، قومیتی و طائفی و توجه به مقاصد کلان و علیای اسلامی مانند توحید، تزکیه و عمران را از جمله راه های عبور از بحران های موجود امت مسلمان به ویژه بحران تفرقه و عقب ماندگی می داند. پروژه وحدت علوانی از این جهت نیز تمدنی بنظر می رسد که او آن را حتی فراتر از نزاع های سیاسی و اقتدار محور دنبال کرده و چالش اصلی را در ناتوانی نخبگان مسلمان در به وجود آوردن دوگانه امت دعوت و امت اجابت دانسته است.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابو حلیوة، ابراهیم سلیم (۲۰۱۱)، طه جابر العلوانی تجلیات التجدید فی مشروع الفکر، مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی، بیروت، چاپ اول،
۲. بابایی، حبیب الله، (۱۳۹۵) «چستی تمدن در فلسفه؛ عناصر ماهوی تمدن در نظریه های برخی فیلسوفان معاصر»، نقد و نظر، سال بیست و یکم، شماره ۴.
۳. حسینی، سید حسن (۱۳۹۵ش)، تمدن پژوهی، مطالعات مفهومی تمدن اسلامی، چ ۱، تهران، جامعه شناسان.
۴. حمدوش، وائل (۲۰۰۸)، نحو منهجية معرفية قرآنية: قراءة في دراسات طه جابر العلوانی القرآنية، سایت الملتقى.
۵. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱)، اسلامی سازی معرفت، دانشگاه اسلامی، سال شانزدهم، ش ۵۰.
۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰) کتاب العین، تحقیق: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
۷. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴)، المحيط في اللغة، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، چاپ اول، عالم الکتب، بیروت،
۸. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تحقیق: حسینی اشکوری احمد، چاپ ۳، انتشارات مرتضوی، تهران.
۹. عشمای، عماد الدین (بی تا)، مفهوم الحضارة فی بناء العمران الاسلامی عند الدكتور طه العلوانی، مفهوم الامة نموذجا، مرکز نما للبحوث و الدراسات.
۱۰. العلوانی، طه جابر (۱۹۸۷)، ادب الاختلاف فی الاسلام، چ ۳، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، هرنندن ورجینیا.
۱۱. العلوانی، طه جابر (۲۰۰۷)، ابعاد غائبة عن فکر و ممارسات الحركات الاسلامية المعاصرة، چ ۲، دار السلام، مصر.
۱۲. العلوانی، طه جابر، إسقاطات التراث على الواقع قيمة العدل، سایت رسمی العلوانی،
۱۳. العلوانی، طه جابر (۲۰۰۱الف)، اصلاح الفكر الاسلامی، چ ۱، دار الهادی، بیروت.

۱۴. العلوانی، طه جابر (۲۰۰۳ الف)، الازمة الفكرية و مناهج التغيير، ج ۱، دار الهادی، بیروت.
۱۵. العلوانی، طه جابر، التقريبُ بین المذاهبِ ودعائمه، سایت رسمی العلوانی.
۱۶. علوانی، طه جابر (۲۰۰۳)، الخصوصية و العالمية في الفكر الاسلامی، دار الهادی، بیروت، چاپ اول
۱۷. العلوانی، طه جابر، المنهج القرآني لإعادة بناء الأمة وتوحيد كلمتها، سایت رسمی العلوانی،
۱۸. العلوانی، طه جابر، الوحدة العربية ضرورة حتمية، سایت رسمی العلوانی،
۱۹. العلوانی، طه جابر، تفكك مفهوم الامة و ضرورة المراجعة، برگرفته از سایت رسمی العلوانی.
۲۰. علوانی، طه جابر، (۱۹۹۶) حاكمية القرآن، المعهد العالمي للفكر الاسلامی، هرنندن ورجینیا.
۲۱. العلوانی، طه جابر، مفهوم الأمة وواقعها، برگرفته از سایت رسمی العلوانی.
۲۲. العلوانی، طه جابر (۲۰۰۵ الف)، مقاصد الشريعة، ج ۲، دار الهادی، بیروت.
۲۳. العلوانی، طه جابر، مقاله «الامن»، سایت رسمی العلوانی.
۲۴. العلوانی، طه جابر، مقاله «التشيع العلوی و التشيع الصفوی»، سایت رسمی العلوانی.
۲۵. العلوانی، طه جابر، مقاله «العدل والعدالة»، سایت رسمی العلوانی.
۲۶. العلوانی، طه جابر (۲۰۰۵)، مقدمه بر کتاب منی ابوالفضل تحت عنوان «الامة القطب»، ج ۱، مكتبة الشروق الدولية، قاهره.
۲۷. العلوانی، طه جابر (۲۰۰۶)، لسان القرآن و مستقبل الامة القطب»، ج ۱، مكتبة الشروق الدولية، قاهره.
۲۸. العلوانی، طه جابر، (۲۰۰۱)، مقدمه في اسلامية المعرفة، ج ۱، دار الهادی، بیروت.
۲۹. العلوانی، طه جابر، (۲۰۱۷) من ادب الاختلاف الى نبذ الخلاف، ج ۱، المعهد العالمي للفكر الاسلامی، هرنندن، ورجینیا.
۳۰. العلوانی، ماذا خسر الإسلام بدخول الفرق والأحزاب فيه، سایت رسمی العلوانی،
۳۱. عیوضی، محمد رحیم/خاکی، حسن ناصر، (۱۳۹۶) «روند فکری وحدت جهان اسلام در اندیشه متفکران مسلمان»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ش ۱۲.
۳۲. معین، محمد (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی (متوسط)، ج ۲۲، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳۳. موحدی ساوجی، محمد حسن (۱۳۹۸)، همگرایی اسلامی در قرآن، ج ۱، قم، انتشارات

دانشگاه مفید.

۳۴. مهدی نژاد، سید رضا (۱۴۰۰)، رابطه دین و تمدن در اندیشه متفکران مسلمان، چ ۱، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

منابع الکترونیکی:

<https://taqrib.ir>

<https://alwani.org>

<https://rasekhoon.net>

<https://iict.ac.ir>

<https://almultaka.org>